

تحلیل محتوای مناظرات توحیدی امام صادق(ع) با ابن ابی العوجاء

* فرشته معتمد لنگرودی

** بی بی سادات رضی بهابادی

*** محمد عترت دوست

[تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۱]

چکیده

مسئله «توحید» و شبهات مطرح شده در این خصوص، از مهم ترین پرسش های تاریخی در طول بشریت بوده است و فرستادگان الهی تلاش های بسیاری برای پاسخگویی و تبیین این موضوع کرده اند. در پژوهش حاضر تلاش شده است با استفاده از روش «تحلیل محتوا»، موضوع چگونگی اثبات خالق و صانع و وحدانیت خداوند متعال در میان مناظرات امام صادق(ع) با ابن ابی العوجاء واکاوی شود.

ابن ابی العوجاء یکی از زندیقان معروف در عصر امام صادق(ع) با نگرش ماتریالیستی بوده که چندین مناظره جدی در موضوعات مختلف دینی با حضرت داشته است. وجه نوآوری این پژوهش استفاده روشمند از روش «تحلیل محتوا» با رویکرد کیفی به عنوان روشی میان رشته ای برای استخراج، طبقه بندی و مقوله بندی یافته های تحقیق است. یافته های پژوهش گویای آن است که امام(ع) در تبیین مسئله توحید از روش ها و اصول گوناگونی بهره جسته که بر دو مبنای قواعد عقلانی و قواعد حسی - تجربی استوار است. بدیهی است استخراج روش مواجهه عالمانه امام صادق(ع) با شبهه افکنان، می تواند الگویی مناسب برای احتجاجات عصر کنونی در مواجهه با آرای مخالفان باشد.

کلیدواژه ها: امام صادق(ع)، ابن ابی العوجاء، توحید، مناظره، روش تحلیل محتوا.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س) (نویسنده مسئول) f_motamad_2011@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س) تهران b.razi@alzahra.ac.ir

*** استادیار گروه معارف دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی Estratdoust@sru.ac.ir

بیان مسئله

امامان معصوم (ع) برای دعوت مردم به سوی حق و سوق دادن آنان در مسیر توحید، از روش‌های گوناگون بهره گرفته‌اند؛ روش‌هایی که هر یک در جای خود تأثیر بسزایی بر اندیشه و رفتار مخاطبان بر جای می‌گذاشت. مناظره و جدال احسن از روش‌های اثرگذار ائمه (ع) در عرصه تبلیغ دین بوده است. در این میان، امام صادق (ع) به سبب موقعیت زمانی خاصی که داشت از فرصت بیشتری برخوردار بود تا از این روش بهره بجوید. شرایط فکری و فرهنگی عصر امام صادق (ع) به گونه‌ای بود که بسیاری از مذاهب و فرقه‌ها، مجال تبلیغ و ترویج آرا و افکار خود را یافته بودند. این امر ناشی از نبود یک حکومت سیاسی مقتدر و آشنایی مسلمانان با اندیشه‌های دیگر ملل از طریق ترجمه آثارشان بود که موجب پیدایش و گسترش اندیشه‌های الحادی و افراطی در سرزمین اسلامی شد (ر.ک: یعقوبی، بی‌تا: ۲/ ۲۹۸؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۲/ ۲۱۶). در این برهه امام صادق (ع) با تبیین عقاید اسلامی در مناظراتش، مبانی فکری و عقیدتی اسلام حقیقی را که در حقیقت همان مذهب تشیع است، ترسیم کرد و جامعه اسلامی را در باورها و عقاید به کمال رسانید.

آنچه امروزه می‌تواند راهگشای فهم این مناظرات باشد، تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری این متون از خلال تحلیل محتوای گفتگوهای صورت گرفته میان امام صادق (ع) با دیگران است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی مناظرات ابن‌ابی‌العوجاء با امام صادق (ع) در مسئله توحید و اثبات صانع، و مصنوع بودن مخلوقات با استفاده از تکنیک پژوهشی «تحلیل محتوا» است تا از این رهگذر موضوعات اصلی و نقاط تمرکز این مناظرات شناسایی و رصد گردد و در نتیجه مبانی فکری ابن‌ابی‌العوجاء و چگونگی تبیین و پاسخ امام (ع) از شبهات وارد شده به اسلام نشان داده شود. شایان ذکر است در تحلیل کیفی مناظرات با توجه به تمرکز مقاله بر موضوع توحید صرفاً مناظرات این موضوع تحلیل خواهد شد.

تا کنون دو مقاله درباره شخصیت ابن‌ابی‌العوجاء به چاپ رسیده است: ۱. «ابن‌ابی‌العوجاء و امام صادق (ع)» به کوشش طاهره عظیم‌زاده طهرانی، فصلنامه تاریخ اسلام، سال ۷، شماره ۲۸، ۱۳۸۵ ش. در این مقاله نویسنده به معرفی ابن‌ابی‌العوجاء پرداخته و صرفاً مناظرات او با امام صادق (ع) را ترجمه کرده است. ۲. «ابن‌ابی‌العوجاء: شخصیت‌شناسی و ارزیابی ادعاهای منسوب به او» از قاسم بستانی، پژوهش‌های قرآن و

حدیث، سال ۵۰، شماره ۱، ۱۳۹۶ ش. در این پژوهش نویسنده پس از نقل گزارش‌های تاریخی مربوط به ابن‌ابی‌العوجاء به تعارضات سندی و متنی این نقل‌ها پرداخته است؛ اما نقطه تمرکز مقاله حاضر، مناظرات ابن‌ابی‌العوجاء با امام صادق(ع) در موضوع توحید است؛ از این رو با پژوهش‌های گفته‌شده متفاوت است.

۱. روش تحقیق

پیش از تحلیل محتوای مناظرات ابن‌ابی‌العوجاء با امام صادق(ع) ضروری است مباحث روش‌شناختی پژوهش تبیین شود. امروزه استفاده از روش‌های جدید و بین‌رشته‌ای در مطالعه کلام معصومان(ع)، از ضرورت‌های مطالعات دینی است که منجر می‌گردد نتایج مطالعات صورت‌گرفته در قالب‌های نظام‌مند و عینی در دسترس مخاطبان قرار گیرد. در این میان روش «تحلیل محتوا»^۱ و کاربری آن در مطالعات دینی، از رویکرد نوآورانه برخوردار است.

برلسون^۲ از پایه‌گذاران فن تحلیل محتوا، این‌گونه می‌نویسد: «تحلیل محتوا فن تحقیق جهت توصیف عینی، منظم و کمی محتوای آشکار ارتباطات است» (باردن، ۱۳۷۵: ۱۴). در حقیقت، تحلیل محتوا روشی استنباطی است که پیام‌ها به صورت منظم کدگذاری و به گونه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند که پژوهشگر بتواند آنها را به صورت کمی تجزیه و تحلیل کند (کرپندورف، ۱۳۷۸: ۲۸). بنابراین تلخیص، تحلیل تفسیری و تحلیل ساختار از محوری‌ترین تکنیک‌های تحلیل داده‌های متنی به شمار می‌آیند و بدین وسیله می‌توان مطالعه‌ای روشمند در حوزه متون و نصوص دینی انجام داد.

روش انتخاب‌شده در این پژوهش، تحلیل محتوای مضمونی بر اساس واحد جملات به صورت کمی و کیفی است. نگارنده در این روش ابتدا به استخراج مناظرات بر اساس مطالعه کتاب‌های روایی و تاریخی پرداخته و سپس با تقطیع جملات در جداول تحلیل محتوا، مضامین مناظرات توحیدی میان امام صادق(ع) و ابن‌ابی‌العوجاء را تبیین کرده است و به استخراج، مقوله‌بندی و جهت‌گیری اصلی هر متن و موضوعات فرعی آن نیز اهتمام داشته است. پس از این مراحل، به ترسیم مدل آماری در قالب نمودار از موضوعات اصلی و فرعی و سپس تحلیل کیفی بر اساس نتایج تحلیل کمی، پرداخته شده است.

۲. مستندات مناظرات

درباره مناظرات توحیدی ابن ابی العوجاء با امام صادق(ع) سه روایت به دست ما رسیده است. متن کامل و جامع روایت نخست در بخش اصول کتاب روایی الکافی از کلینی نقل شده است. بخش ابتدایی این مناظره به نقل از کتاب کافی در کتاب‌های روایی نظیر التوحید شیخ صدوق، الوافی فیض کاشانی، مرآة العقول و بحار الانوار مجلسی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال بحرانی نقل شده است. همه این محدثان این روایت را از احمد بن مُحَسَّن المِثَمی نقل کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۷۸-۷۴؛ ر.ک: صدوق، ۱۳۹۸: ۲۹۶-۲۹۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱/ ۳۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱/ ۲۴۸-۲۵۲؛ بحرانی اصفهانی، بی‌تا: ۲۰/ ۵۲۳؛ قمی، ۱۴۱۴: ۷/ ۳۳۶).

روایت دوم نیز نخستین بار در کافی، کتاب حج، باب ابتلاء الخلق و اختبارهم بالكعبه نقل شده و سپس شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه و امالی و التوحید آورده است. سپس به ترتیب، شیخ مفید در الارشاد، کراجکی در کنز الفوائد و طبرسی در اعلام الوری این مناظره را نقل کرده‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۴/ ۱۹۷-۱۹۸؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۲/ ۲۴۹-۲۵۰؛ همو، ۱۳۷۶: ۶۱۸؛ همو، ۱۳۹۸: ۲۵۴؛ همو، ۱۳۸۵: ۲/ ۴۰۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/ ۲۰۰-۲۰۱؛ کراجکی، ۱۴۱۰: ۲/ ۷۶؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۸۹).

روایت سوم، به نقل از هشام بن الحکم در کتاب‌های التوحید شیخ صدوق، الاحتجاج طبرسی و بحار الانوار مجلسی نقل شده است (صدوق، ۱۳۹۸: ۲۹۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/ ۳۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳/ ۳۱).

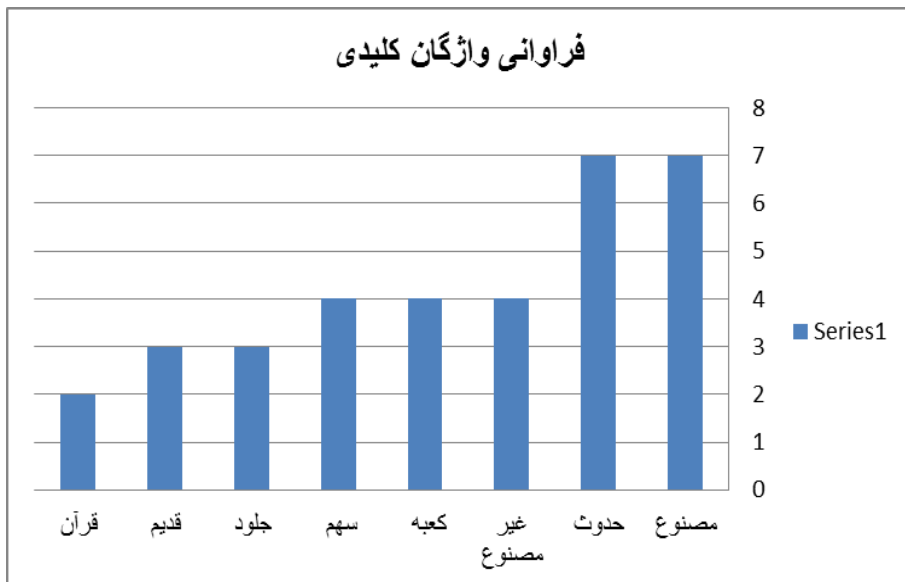
۳. تحلیل محتوای کَمّی مناظرات

منظور از تحلیل‌های کمی، بررسی فراوانی کلمات، قالب‌ها، مضامین و موضوعات اصلی و فرعی بیان‌شده در متن است. تحلیل‌های کمی راه ورود به تحلیل‌های کیفی را هموار می‌سازند و در حقیقت نشان می‌دهند محقق باید بر اساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی پردازد (کرپندورف، ۱۳۷۸: ۲۶). مناظرات امام صادق(ع) با ابن ابی العوجاء در مجموع هفت مناظره است که هر یک درباره موضوع خاصی است. در این بخش به تحلیل فراوانی واژگان کلیدی و

موضوعات اصلی مجموعه مناظرات ابن ابی العوجاء با امام صادق(ع) می‌پردازیم. شایان ذکر است اعداد استخراج شده در نمودارهای میله‌ای به صورت تعداد درج شده‌اند.

۳-۱. فراوانی واژگان کلیدی

مقصود از فراوانی واژگان کلیدی، شمارش کلیدواژه‌های مفهوم‌ساز است. در این شمارش، واژگان مشابه در یک دسته جای می‌گیرند و همچون یک مفهوم مشترک در قالب نمودار به نمایش گذاشته می‌شوند.

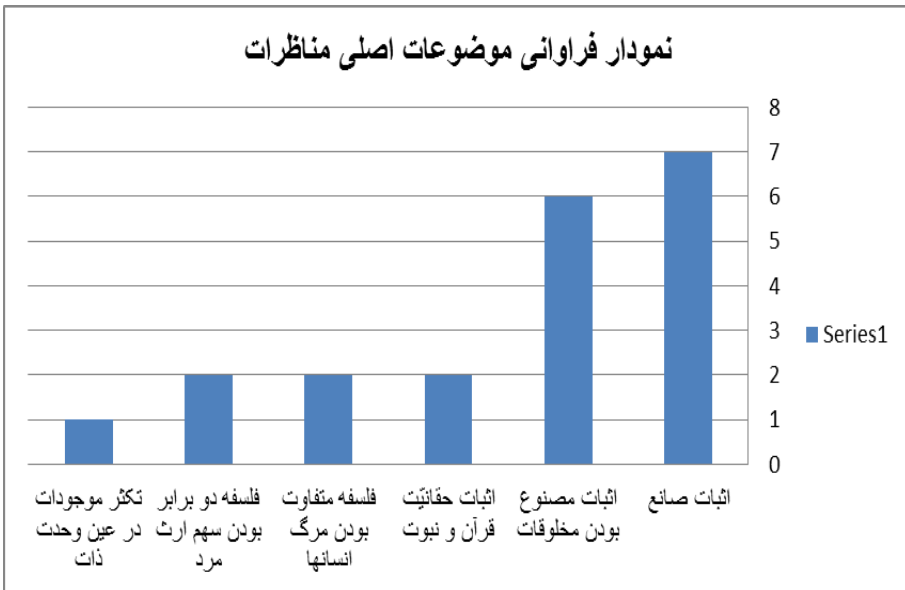


نمودار بالا نشان می‌دهد کلیدواژه‌های «مصنوع» و «حدوث» بالاترین فراوانی را در مناظرات میان ابن ابی العوجاء با حضرت دارند. بالا بودن این دو کلیدواژه، حاکی از آن است که در این مناظرات موضوع مورد نظر، اثبات مصنوع بودن مخلوقات و در نتیجه اثبات یگانگی و صانع بودن خداوند متعال است.

۳-۲. فراوانی موضوعات اصلی

موضوع اصلی عنوان کلی است که مقصود اصلی متکلم را بیان می‌کند. موضوع اصلی،

چارچوب اصلی متن را شکل می‌دهد و با نگاه اجمالی به فهرست آنها و بررسی میزان فراوانی هر کدام می‌توان تشخیص داد که متن مورد مطالعه در چه حوزه‌ای است. افزون بر این سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی، منجر به شناخت اندیشه‌ها و آرای مؤلف متن می‌گردد.



بر اساس نمودار بالا، موضوع «اثبات صانع» و «اثبات مصنوع بودن مخلوقات» از جمله مسائل محوری مناظرات میان امام صادق (ع) و ابن‌ابی‌العوجاء بوده است. بر این اساس، در این بخش به تحلیل محتوای مناظرات با محوریت توحید پرداخته می‌شود. شایان ذکر است چون مناظره نخست به طور کامل در مورد موضوع توحید است، جدول تحلیل محتوای آن ذکر می‌شود؛ اما در دیگر مناظرات به دلیل تداخل موضوعی مناظرات، تنها بخش مرتبط با توحید بیان می‌شود.

۳-۲-۱. تحلیل محتوای مناظره اول

ردیف	متن	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کدگذاری
۱	فَقَالَ إِنْ يَكُنِ الْأَمْرُ عَلَى مَا يَقُولُ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ عَلَى مَا يَقُولُونَ يَعْنِي أَهْلَ الطَّوَافِ فَقَدْ سَلِمُوا وَ عَطِبْتُمْ وَ إِنْ يَكُنِ الْأَمْرُ عَلَى مَا تَقُولُونَ وَ لَيْسَ كَمَا تَقُولُونَ فَقَدْ اسْتَوَيْتُمْ وَ هُمْ	ایجاد شک و تردید در عقاید و اندیشه‌های ملحدان	هشدار حضرت(ع) به ابن ابی العوجاء در زمینه اصلاح اعتقادات	A1
			نجات معتقدان به وجود خدا	A2
			هلاکت انکارکنندگان وجود خدا	A3
			اثبات حقانیت عمل طواف کعبه	A4
۲	فَقُلْتُ لَهُ يَزْحَمُكَ اللَّهُ وَ أَيِّ شَيْءٍ تَقُولُ وَ أَيِّ شَيْءٍ يَقُولُونَ مَا قَوْلِي وَ قَوْلُهُمْ إِلَّا وَاحِدٌ	درخواست تبیین عقاید صحیح	شگفتی ابن ابی العوجاء از سخن امام صادق(ع)	A5
			انکارکردن عقیده خود در زمینه طواف خانه خدا	A6
۳	فَقَالَ وَ كَيْفَ يَكُونُ قَوْلُكَ وَ قَوْلُهُمْ وَاحِدًا وَ هُمْ يَقُولُونَ إِنَّ لَهُمْ مَعَادًا وَ ثَوَابًا وَ عِقَابًا وَ يَدِينُونَ بِأَنَّ فِي السَّمَاءِ إِلَهًا وَ أَنَّهَا عُمْرَانٌ وَ أَنْتُمْ تَزْعُمُونَ أَنَّ السَّمَاءَ حَرَابٌ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ	تبیین اعتقادات مسلمانان	اعتراض حضرت به ابن ابی العوجاء به جهت اینکه عقایدش با مسلمانان یکی نیست	A7
			اعتقاد مسلمانان به وجود خداوند	A8
			اعتقاد مسلمانان به معاد و وجود ثواب و عقاب	A9
			اعتقاد مسلمانان به وجود خدا	A10
			اعتقاد مسلمانان به وجود نظم و حکمت در جهان هستی و آبادی آسمان‌ها	A11

ردیف	متن	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کدگذاری
			اعتقادداشتن ابن ابی العوجاء به وجود نظم و حکمت در جهان هستی و ویرانی آسمانها	A12
			اعتقادداشتن ابن ابی العوجاء به وجود خدا	A13
۴	قَالَ فَأَعْتَمَّهَا مِنْهُ فَقُلْتُ لَهُ مَا مَنْعَهُ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ كَمَا يَقُولُونَ أَنْ يَظْهَرَ لِحَلْقِهِ وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى عِبَادَتِهِ حَتَّى لَا يَخْتَلِفَ مِنْهُمْ أَشْتَانٌ وَ لَمْ أَحْتَجِبْ عَنْهُمْ وَ أَرْسَلُ إِلَيْهِمُ الرُّسُلَ وَ لَوْ بَاشَرَهُمْ بِنَفْسِهِ كَانَ أَقْرَبَ إِلَى الْإِيمَانِ بِهِ	استدلال‌های ملحدان بر وجودنداشتن خدا	استدلال ابن ابی العوجاء بر وجودداشتن خدا به دلیل ندیدن او	A14
			استدلال ابن ابی العوجاء بر افزایش ایمان مردم از طریق رؤیت خداوند	A15
۵	فَقَالَ لِي وَيْلَكَ وَ كَيْفَ أَحْتَجِبَ عَنْكَ مَنْ أَرَاكَ قُدْرَتُهُ فِي نَفْسِكَ نُشْوءَكَ وَ لَمْ تَكُنْ وَ كَبْرَكَ بَعْدَ صِغَرِكَ وَ قُوَّتَكَ بَعْدَ ضَعْفِكَ وَ ضَعْفَكَ بَعْدَ قُوَّتِكَ وَ سَقَمَكَ بَعْدَ صِحَّتِكَ وَ صِحَّتَكَ بَعْدَ سَقَمِكَ وَ رِضَاكَ بَعْدَ غَضَبِكَ وَ غَضَبَكَ بَعْدَ رِضَاكَ وَ حُرْنِكَ بَعْدَ فَرَحِكَ وَ فَرَحَكَ بَعْدَ حُرْنِكَ وَ حُبَّكَ بَعْدَ بُغْضِكَ وَ بُغْضَكَ بَعْدَ حُبِّكَ وَ عَزْمَكَ بَعْدَ أُنَاتِكَ وَ أُنَاتَكَ بَعْدَ عَزْمِكَ وَ شَهْوَتَكَ بَعْدَ كَرَاهَتِكَ وَ كَرَاهَتَكَ بَعْدَ	استدلال‌های امام (ع) بر وجود خدا	سرزنش و برخورد امام (ع) با ابن ابی العوجاء	A16
			استدلال حضرت (ع) بر وجود خالق به دلیل خلق جهان هستی و مخلوقات متعدد	A17
			استدلال حضرت (ع) بر وجود خالق به دلیل ایجاد قدرت و توانایی در مخلوقات	A18
			استدلال حضرت (ع) بر وجود خالق به دلیل ایجاد تغییر و تحولات روحی و درونی در مخلوقات	A19

ردیف	متن	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کدگذاری
	شَهْوَتِكَ وَ رَغْبَتِكَ بَعْدَ رَهْبَتِكَ وَ رَهْبَتِكَ بَعْدَ رَغْبَتِكَ وَ رَجَاءَكَ بَعْدَ يَأْسِكَ وَ يَأْسَكَ بَعْدَ رَجَائِكَ وَ حَاطِرَكَ بِمَا لَمْ يَكُنْ فِي وَهْمِكَ وَ غُرُوبَ مَا أَنْتَ مُعْتَقِدُهُ عَنْ ذَهْنِكَ		استفاده حضرت از مثالهای متعدد جهت تأثیرگذاری بر اندیشه ابن ابی العوجاء	A20
			رویکرد عقلی حضرت(ع) در اثبات خالق و صانع هستی	A21
۶	وَ مَا زَالَ يُعَدِّدُ عَلَيَّ قُدْرَتَهُ الَّتِي هِيَ فِي نَفْسِي الَّتِي لَا أَدْفَعُهَا حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُظْهِرُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَهُ	اعتراف به صحیح بودن استدلالهای امام(ع) در اثبات وجود خالق	اعتراف ابن ابی العوجاء به وجود قدرت نمایی خدا در وجود انسانها	A22
			ناتوانی ابن ابی العوجاء در انکار استدلالهای امام صادق(ع)	A23
			اعتراف ابن ابی العوجاء به حقانیت و پیروزی امام(ع) در مناظره	A24
۷	قَالَ عَادَ ابْنُ أَبِي الْعُوجَاءِ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي إِلَى مَجْلِسِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَجَلَسَ وَ هُوَ سَاكِتٌ لَا يَنْطِقُ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ كَأَنَّكَ جِئْتَ تُعِيدُ بَعْضَ مَا كُنَّا فِيهِ.	پرسش از ابن ابی العوجاء برای ادامه مناظره	علم غیب امام(ع) از حالات ابن ابی العوجاء	A25
	فَقَالَ أَرَدْتُ ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ	علاقه مندی به ادامه مناظره اثبات وجود خدا	قانع نشدن ابن ابی العوجاء از استدلالهای امام(ع) در اثبات صانع	A26
۸	فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ مَا أَعْجَبَ هَذَا تُنَكِّرُ اللَّهَ وَ تَشْهَدُ أَنِّي ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ	شگفتی حضرت از تناقضات سخن ابن ابی العوجاء	شگفتی حضرت از تناقضات کلام ابن ابی العوجاء، اینکه وی منکر خداست و او را فرستاده خدا می داند	A27

ردیف	متن	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کد گذاری
			استفاده حضرت(ع) از عبارات ابن ابی العوجاء علیه او	A28
۹	فَقَالَ الْعَادَةُ تَحْمِلُنِي عَلَى ذَلِكَ	انکار و طفره رفتن از پاسخ	انکار عقیده درونی خویش و نسبت دادن آن بر طریق عادت	A29
۱۰	فَقَالَ لَهُ الْعَالِمُ عَ فَمَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْكَلَامِ	درخواست پاسخ از طرف امام(ع)	درخواست علت از ابن ابی العوجاء جهت پنهان کردن عقایدش	A30
۱۱	قَالَ إِجْلَالًا لَكَ وَ مَهَابَةً مَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي بَيْنَ يَدَيْكَ فَإِنِّي شَاهِدْتُ الْعُلَمَاءَ وَ نَاطَرْتُ الْمُتَكَلِّمِينَ فَمَا تَدَاخَلَنِي هَيْبَةُ قَطُّ مِثْلُ مَا تَدَاخَلَنِي مِنْ هَيْبَتِكَ	شگفتی ابن ابی العوجاء از هیبت امام(ع)	ناتوانی ابن ابی العوجاء از پاسخ به استدلالهای امام(ع) به دلیل جلال و هیبت ایشان	A31
			اعتراف ابن ابی العوجاء به مناظره و بحث با همه متکلمان زمان خود	A32
			اعتراف ابن ابی العوجاء به برتری والای امام(ع) بر متکلمان	A33
۱۲	قَالَ يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَفْتَحُ عَلَيْكَ بِسْوَالٍ وَ أَقْبَلْ عَلَيْهِ	علاقه مندی به ادامه مناظره اثبات وجود خدا از طرف امام(ع)	تأیید سخنان ابن ابی العوجاء اجازه دادن به ابن ابی العوجاء برای پرسش	A34 A35
۱۳	فَقَالَ لَهُ أَمْضُوعٌ أَنْتَ أَوْ غَيْرُ مَضُوعٍ	پرسشش از ابن ابی العوجاء	پرسشش از مصنوع یا غیر مصنوع بودن ابن ابی العوجاء	A36 A37
۱۴	فَقَالَ عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنُ أَبِي الْعُوجَاءِ بَلْ أَنَا غَيْرُ مَضُوعٍ	پاسخ به امام(ع)	پاسخ به غیر مصنوع بودن خویش	A38
			عدم اعتقاد ابن ابی العوجاء به وجود خدا	A39

ردیف	متن	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کدگذاری
			اعتقاد ابن ابی العوجاء به ازلیت اشیاء	A40
۱۵	فَقَالَ لَهُ الْعَالِمُ ع فَصِّفْ لِي لَوْ كُنْتَ مَصْنُوعاً كَيْفَ كُنْتَ تَكُونُ	درخواست استدلال امام(ع) از ابن ابی العوجاء اثبات مصنوع بودن	درخواست اثبات مصنوع بودن از ابن ابی العوجاء	A41
		ابن ابی العوجاء در اثبات مصنوع	تلاش حضرت در استفاده از زبان خود خصم (ابن ابی العوجاء) علیه او	A42
۱۶	فَبَقِيَ عَبْدُ الْكَرِيمِ مَلِيّاً لَا يُحِيرُ جَوَاباً وَ وَلَعَ بِخَشْيَةِ كَأَنَّهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُوَ يَقُولُ طَوِيلٌ عَرِضٌ عَمِيقٌ قَصِيرٌ مُتَحَرِّكٌ سَاكِنٌ كُلُّ ذَلِكَ صِفَةُ خَلْقِهِ	اثبات کردن مصنوع بودن خویش	برشمردن برخی ویژگی های مخلوقات	A43
			اثبات مصنوع بودن ابن ابی العوجاء از پاسخش	A44
۱۷	فَقَالَ لَهُ الْعَالِمُ فَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَعْلَمْ صِفَةَ الصَّنْعَةِ غَيْرَهَا فَاجْعَلْ نَفْسَكَ مَصْنُوعاً لِمَا تَجِدُ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يَحْدُثُ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ	استدلال امام(ع) در اثباتات مصنوع بودن ابن ابی العوجاء	ادراک امور مصنوعات توسط ابن ابی العوجاء	A45
			استفاده حضرت از زبان خود خصم (ابن ابی العوجاء) علیه او	A46
۱۸	فَقَالَ لَهُ عَبْدُ الْكَرِيمِ سَأَلْتَنِي عَنْ مَسْأَلَةٍ لَمْ يَسْأَلْنِي عَنْهَا أَحَدٌ قَبْلَكَ وَ لَا يَسْأَلْنِي أَحَدٌ بَعْدَكَ عَنْ مِثْلِهَا	طفره رفتن ابن ابی العوجاء از پاسخ دادن به امام(ع)	طفره رفتن ابن ابی العوجاء از پاسخ دادن به امام(ع)	A47
		پاسخ به حضرت(ع)	اعتقاد ابن ابی العوجاء به آگاهی از امور غیبی	A48
۱۹	فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَبْكَ عَلِمْتَ أَنَّكَ لَمْ تُسْأَلْ فِيمَا مَضَى فَمَا عَلَمَكَ أَنَّكَ لَا تُسْأَلُ فِيمَا بَعْدَ عَلَى أَنَّكَ يَا عَبْدَ الْكَرِيمِ نَقَضْتَ قَوْلَكَ - لِأَنَّكَ تَزْعُمُ أَنَّ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْأَوَّلِ سَوَاءٌ فَكَيْفَ قَدَّمْتَ وَ أَخَّرْتَ	به چالش کشاندن ابن ابی العوجاء در اثبات مصنوع	آگاهی دادن امام(ع) به تناقضات عقاید ابن ابی العوجاء	A49
			اعتقاد ابن ابی العوجاء به ازلیت اشیا و تقدیم و تأخیر در آنها	A50
			استفاده از پرسش های متعدد جهت قانع ساختن و	A51

ردیف	متن	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کد گذاری
			تأثیر گذاری بر ابن ابی العوجاء	
			علم نداشتن مخلوقات به امور غیبی	A52
۲۰	ثُمَّ قَالَ يَا عَبْدَ الْكَرِيمِ أَزِيدُكَ وُضُوحًا أَرَأَيْتَ لَوْ كَانَ مَعَكَ كَيْسٌ فِيهِ جَوَاهِرُ فَقَالَ لَكَ قَائِلٌ هَلْ فِي الْكَيْسِ دِينَارٌ فَنَفَيْتَ كُونَ الدِّينَارِ فِي الْكَيْسِ فَقَالَ لَكَ صِفْ لِي الدِّينَارَ وَ كُنْتُ غَيْرَ عَالِمٍ بِصِفَتِهِ هَلْ كَانَ لَكَ أَنْ تَنْفِي كُونَ الدِّينَارِ عَنِ الْكَيْسِ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ	استدلال‌های امام (ع) در اثبات صانع	تمثیل دنیا به کیسه اشرفی برای نزدیک کردن مسئله اثبات صانع به ذهن ابن ابی العوجاء	A53
			استفاده از پرسش‌های متعدد جهت تأثیر گذاری بر ابن ابی العوجاء	A54
			آگاهی نداشتن مخلوقات به امور غیبی	A55
			اثبات صانع از طریق حس (تجربه)	A56
۲۱	قَالَ لَا	تأیید استدلال‌های امام (ع) در اثبات صانع	اعتراف به صحیح بودن استدلال‌های امام (ع) در اثبات صانع	A57
			اعتقاد درونی ابن ابی العوجاء به صانع و علم نداشتن وی به امور غیبی	A58
۲۲	فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ فَالْعَالَمُ أَكْبَرُ وَأَطْوَلُ وَأَعْرَضُ مِنَ الْكَيْسِ فَلَعَلَّ فِي الْعَالَمِ صَنْعَةً مِنْ حَيْثُ لَا تَعْلَمُ صِفَةَ الصَّنْعَةِ مِنْ غَيْرِ الصَّنْعَةِ	ناتوانایی انسان در شناخت مصنوعات	بزرگی جهان نسبت به کیسه اشرفی (مثال برای تقریب ذهن ابن ابی العوجاء بود)	A59
			توانایی نداشتن ذهن محدود انسان در تشخیص مصنوعات	A60
			عدم تشخیص مصنوع یا غیر مصنوع بودن برخی اشیا	A61

ردیف	متن	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کدگذاری
			اثبات خالق و مصنوعات از طریق عقل	A62
۲۳	فَعَادَ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ فَقَالَ أَقْلِبُ السُّؤَالَ	علاقه مندی به ادامه مناظره با امام(ع) در اثبات صانع	قانع نشدن ابن ابی العوجاء از استدلال‌های امام(ع) در اثبات صانع و مصنوع پرسش متقابل از حضرت(ع) سماجت و سرسختی ابن ابی العوجاء در عقایدش	A63 A64 A65
۲۴	فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع سَلْ عَمَّا شِئْتَ	تمایل امام(ع) از ادامه دادن مناظره	پذیرش حضرت(ع) برای پاسخگویی به پرسش‌های ابن ابی العوجاء آزادی دادن به ابن ابی العوجاء در سؤال کردن	A66 A67
۲۵	فَقَالَ مَا الدَّلِيلُ عَلَى حَدَثِ الْأَجْسَامِ	پرسش ابن ابی العوجاء از حدوث عالم	اعتقاد ابن ابی العوجاء بر تقدیم (قدم) جهان درخواست اثبات حدوث جهان از حضرت(ع)	A68 A69
۲۶	فَقَالَ إِنِّي مَا وَجَدْتُ شَيْئاً صَغِيراً وَ لَا كَبِيراً إِلَّا وَ إِذَا ضُمَّ إِلَيْهِ مِثْلُهُ صَارَ أَكْبَرَ وَ فِي ذَلِكَ رَوَالٌ وَ انْتِقَالٌ عَنِ الْحَالَةِ الْأُولَى وَ لَوْ كَانَ قَدِیماً مَا زَالَ وَ لَا حَالٌ لِأَنَّ الَّذِي يَزُولُ وَ يَحُولُ يَجُوزُ أَنْ يُوجَدَ وَ يُبْطَلَ فَيَكُونُ بِوُجُودِهِ بَعْدَ غَدَمِهِ دُخُولٌ فِي الْحَدَثِ وَ فِي كَوْنِهِ فِي الْأَزَلِ دُخُولُهُ فِي الْعَدَمِ وَ لَنْ تَجْتَمِعَ صِفَةُ الْأَزَلِ وَ الْعَدَمِ وَ الْحُدُوثِ وَ الْقَدَمِ فِي شَيْءٍ وَاحِدٍ	استدلال‌های امام(ع) اثبات حدوث عالم	استدلال امام(ع) به حدوث اجسام از طریق تغییر شکل، بزرگ و کوچک شدن و انتقال آنها به حالت دیگر است نبود تحوّل و نابودی در اجسام قدیم تحوّل و نابودی در اجسام حادث جمع نشدن حدوث و قدم در یک شیء واحد (اثبات حدوث ذاتی اشیا)	A70 A71 A72 A73

ردیف	متن	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کدگذاری
			اثبات حدوث عالم از طریق حس	A74
			اثبات حدوث عالم از طریق عقل	A75
۲۷	فَقَالَ عَبْدُ الْكَرِيمِ هَبْكَ عَلِمْتَ فِي جَزْيِ الْحَالَتَيْنِ وَ الزَّمَانَيْنِ عَلَى مَا ذَكَرْتَ وَ اسْتَدْلَلْتَ بِدَلِيلِكَ عَلَى حُدُوثِهَا فَلَوْ بَقِيَتْ الْأَشْيَاءُ عَلَى صِغَرِهَا مِنْ أَيْنَ كَانَ لَكَ أَنْ تَسْتَدِلَّ عَلَى حُدُوثِهَا	درخواست ابن ابی العوجاء از امام(ع) در اثبات حدوث عالم به طریق عقل	طفه رفتن ابن ابی العوجاء برای ردّ دلایل حضرت(ع) پرسش از اینکه اگر اجسام به حالت کوچک باقی بمانند دلیل بر حدوث آنها چگونه اثبات می گردد.	A76 A77
			درخواست استدلال از حضرت(ع) در اثبات حدوث عالم به طریق عقل	A78
۲۸	فَقَالَ الْعَالِمُ ع إِنَّمَا تَتَكَلَّمُ عَلَى هَذَا الْعَالَمِ الْمُضَوِّعِ فَلَوْ رَفَعْنَاهُ وَ وَضَعْنَاهُ عَالِمًا آخَرَ كَانَ لَا شَيْءَ أَدْلَّ عَلَى الْحَدَثِ مِنْ رَفَعْنَاهُ إِثْبَاهُ وَ وَضَعْنَاهُ غَيْرُهُ وَ لَكِنْ أُجِيبُكَ مِنْ حَيْثُ قَدَّرْتَ أَنْ تُلْزِمَنَا فَنَقُولُ إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَوْ دَامَتْ عَلَى صِغَرِهَا لَكَانَ فِي الْوَهْمِ أَنَّهُ مَتَى ضُمَّ شَيْءٌ إِلَى مِثْلِهِ كَانَ أَكْبَرَ وَ فِي جَوَازِ التَّغْيِيرِ عَلَيْهِ خُرُوجُهُ مِنَ الْقَدَمِ كَمَا أَنَّ فِي تَغْيِيرِهِ دُخُولُهُ فِي الْحَدَثِ لَيْسَ لَكَ وَرَاءَهُ شَيْءٌ يَا عَبْدَ الْكَرِيمِ.	استدلال های امام(ع) در اثبات حدوث عالم به طریق عقل	تأکید حضرت(ع) بر اینکه محور بحث بر سر این عالم است وضوح اثبات حدوث عالم در صورت فرض حذف عالم موجود و قرار گرفتن عالمی دیگر تأکید حضرت بر اینکه انضمام اجسام کوچک به یکدیگر و تحوّل آنها به اجسام بزرگ تر دلیل بر حدوث آنهاست تردید کردن ابن ابی العوجاء در مورد ادامه گفتگو اثبات حدوث عالم از طریق عقل	A79 A80 A81 A82 A83

طولانی‌ترین و مهم‌ترین مناظره ابن‌ابی‌العوجاء با امام صادق(ع) مناظره بالاست. موضوع اصلی این مناظره اثبات صانع است؛ البته با توجه به آغاز متن مناظره، زمینه بحث میان او با حضرت(ع) طواف کعبه است. همان‌گونه که از الفاظ حدیث هم مشخص است (A63) این مناظره در یک جلسه نبوده است.

با توجه به موضوعات فرعی این مناظره (کدهای A11 و A12)، اعتقاد مسلمانان بر آن است که در آسمان، مستحق پرستشی وجود دارد، به این معنا که آسمان، آبادان به ملائکه‌ای است که پرستش می‌کنند؛ در حالی که ابن‌ابی‌العوجاء معتقد است آسمان، خراب است؛ یعنی در آنجا کسی از ملائکه نیست که پرستش کند (ر.ک: میرداماد، ۱۴۰۳: ۱۷۵). عُمران در اصل مصدر است و به معنای منزلی است که اهلس در آن باشند و الْخَرَاب، ضد عُمران است.

تأکید امام صادق(ع) بر آسمان به این دلیل است که مراد از آسمان در اینجا، عالم غیرمحسوس است؛ یعنی مسلمانان قائل به عالم مجرد و غیرمحسوس‌اند؛ ولی زندیقان اعتقادی بدان ندارند و ملازم این انکارشان، وجود صانع، ملائکه، وحی، بهشت و جهنم را که غیرمحسوس‌اند، انکار می‌کنند (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۲۸/۳).

ابن‌ابی‌العوجاء وجود صانع را به دلیل دیده‌نشدن خداوند نفی می‌کند (A14) و قائل به ازلّیت و قدیم‌بودن اشیا می‌شود (A40). امام صادق(ع) در تبیین صانع و حدوث عالم برای وی رویکردهای متفاوتی در پیش می‌گیرد. ایشان بر اساس نگرش مادی ابن‌ابی‌العوجاء از حس (A75) و عقل (A74 و A78) بهره می‌جوید.

در توضیح این رویکرد امام(ع) باید گفت ایشان برای ایجاد معرفت و شناخت در ابن‌ابی‌العوجاء از حس و عقل استفاده کرده است. انسان ابتدا با یکی از حواس پنج‌گانه به واقعیت خارجی، علم و شناخت پیدا می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۲۴۹ و ۱۲/۳۱۲؛ مطهری، ۱۳۷۵: ۶/۱۰۰۸) و در مرحله بعد، عقل وصف و حکمی مشترک از وجودهای خارجی انتزاع می‌کند که از تأمل و مقایسه مشترکات و مختصات اشیا خارجی و نفی جزئیات و مختصات به دست آمده است که در اصلاح فیلسوفان به آن «عمل تجرید» گفته می‌شود (میرداماد، ۱۳۷۴: ۳۸۴؛ صدرالمألهین، ۱۳۶۰: ۲۰۸؛ همو، ۱۴۱۹: ۳/۳۱۶). امام صادق(ع) تجربه و عقل را در تبیین اثبات صانع و حدوث عالم به کار می‌گیرد تا ابن‌ابی‌العوجاء را در این امور قانع^۳ سازد.

نخستین دلیل امام(ع) در اثبات صانع را می‌توان در قالب ارائه مثال ملموس دانست. ابن‌ابی‌العوجاء از پنهان‌بودن خداوند اشکال می‌گیرد و به حضرت می‌گوید: اگر راست می‌گویند که آسمان خدایی دارد، چه مانعی دارد که خود را برای خلقت عیان سازد و آنها را به پرستش خود بخواند (A14-A15). حضرت در پاسخ به او مظاهر قدرت‌های خداوند در انسان را به تصویر می‌کشد و از طریق ارائه مثال‌ها در صدد است ابن‌ابی‌العوجاء را قانع کند (A20)؛ بنابراین انسان از راه تغیر اشیای جهان، خدا را می‌شناسد (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۳: ۹۳) که در این سخن، حضرت به طور خاص به نقص‌های موجود در بشریت اشاره می‌کند. پس خدا در آینه اندیشه بشر از راه جهان پیدا می‌شود، ولی نه به طور مستقیم؛ یعنی انسان تاب این را ندارد و نمی‌تواند که خدا را مستقیم در ذهن خود درک کند؛ از این رو قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ» (الحديد: ۳). همچنین امیرالمؤمنین می‌فرماید: «كُلُّ ظَاهِرٍ غَيْرُهُ [غَيْرُ بَاطِنٍ] بَاطِنٌ وَ كُلُّ بَاطِنٍ غَيْرُهُ ظَاهِرٌ» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۹۶).

امام صادق(ع) در ضمن اثبات صانع به ممکن‌نبودن شناخت حقیقت اشیا که یکی از ادله استحاله شناخت خداوند برای انسان است، اشاره می‌کند (A63-A64). ضمن آنکه می‌توان استدلال امام(ع) را ناظر بر وجود محدودیت در فاعل شناسا (ابن‌ابی‌العوجاء) دانست؛ زیرا شناخت انسان از وجود خود و از اشیا و عالم خارج، کرانمند و محدود است. از سوی دیگر وجود خداوند وجود بی‌نهایت و مطلق و فرامادی است که از قلمرو معرفت انسانی بیرون است. نتیجه این سخن ممکن‌نبودن شناخت ذات نامحدود برای وجودی محدود است (ر.ک: آمدی، ۲۰۰۳: ۴۸۲ / صدرالمതألهین، ۱۳۵۴: ۳۹).

برخی از فیلسوفان بر این باورند که اصولاً شناخت حقیقت اشیا برای بشر مقدور نیست و در نهایت می‌توان عوارض و لوازم آنها را شناخت (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۳۴؛ صدرالمതألهین، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۱). برخی نیز استدلال کرده‌اند چون ماهیت امری اعتباری است و اصالت از آن وجود است، علت و مبدأ آثار و اختلاف در آن و به تعبیری فصل حقیقی به نحوه وجود اشیا برمی‌گردد که آن با علم حصولی (درک اشیا با مفاهیم واسطه) نه با علم حضوری درک می‌شود؛ در این صورت چنین شناختی در سلسله ادراک عوارض و لوازم خواهد بود (صدرالمתألهین، ۱۴۱۹: ۳۹۲ / ۱).

در فلسفه غرب نیز کانت با طرح نظریه خود مبنی بر تفاوت میان موجود خارجی (نومن) و صورت ذهنی (فنومن) که به نوعی به نسبیّت معرفتی کمک کرده، منکر شناخت حقیقت اشیا شده است (کانت، ۱۳۹۶: ۲۴۶). علوم تجربی نیز با تمامی پیشرفت‌ها هنوز نتوانسته به حقیقت اشیا شناخت پیدا کند. بر این اساس، شناخت حقیقت اشیا نه با ادراک صورت‌ها و مفاهیم آنها (علم حصولی)، بلکه با حضور معلوم نزد عالم (علم حضوری) متحقق می‌شود. از آن رو که علم انسان به غیر خودش، علم حصولی است، معرفت به غیر برای آدمی ممکن نیست؛ پس انسان بر شناخت حقیقت اشیای خارجی قادر نیست (قدردان ملکی، ۱۳۹۳: ۱۳۱). رهاورد ناتوانی انسان در شناخت ذات اشیا، ناتوانی در شناخت ذات خداوندی به طریق اولی است.

ابن ابی العوجاء در این مناظره علت حدوث اجسام را از امام صادق(ع) می‌پرسد (A68). این پرسش او حاکی از آن است که وی معتقد به واجب الوجود بودن ماده است و مدعی است اصل وجود ماده ثابت و بی‌نیاز از هر گونه علت است. در حقیقت ابن ابی العوجاء قائل به قدیم‌بودن عالم است و به همین دلیل در مناظره با حضرت از حدوث عالم می‌پرسد و برای آن، طلب دلیل می‌کند. امام(ع) دو نشانه از خصایص موجود قدیم و ازلی را ذکر می‌کند که هیچ کدام در ماده نیست:

۱. ماده متغیر است و قدیم نباید متغیر باشد: «إِنِّي مَا وَجَدْتُ شَيْئاً صَغِيراً وَ لَا كَبِيراً إِلَّا وَ إِذَا ضُمُّ إِلَيْهِ مِثْلُهُ صَارَ أَكْبَرَ وَ فِي ذَلِكَ زَوَالٌ وَ انْتِقَالٌ عَنِ الْحَالَةِ الْأُولَى وَ لَوْ كَانَ قَدِماً مَا زَالَ وَ لَا حَالٌ لَأَنَّ الَّذِي يَزُولُ وَ يَحُولُ يَجُوزُ أَنْ يُوْجَدَ وَ يَبْطُلَ فَيَكُونُ بِوُجُودِهِ بَعْدَ عَدَمِهِ دُخُولٌ فِي الْحَدَثِ وَ فِي كَوْنِهِ فِي الْأَزَلِ دُخُولُهُ فِي الْعَدَمِ» (A70).

۲. ماده معدوم می‌شود و مسبوق به عدم سابق است و ازلیت با ماده قابل جمع نیست: «وَ لَنْ تَجْتَمِعَ صِفَةُ الْأَزَلِ وَ الْعَدَمِ وَ الْحُدُوثِ وَ الْقِدَمِ فِي شَيْءٍ وَاحِدٍ» (A72, A73) (محمّدی، بی‌تا: ۵۹-۶۰).

۲-۳. تحلیل محتوای مناظره دوم

موضوع اصلی این مناظره اثبات حقانیت طواف کعبه و اثبات صانع است. حضرت در این مناظره به فلسفه تشریع طواف از سوی خدا اشاره می‌کند؛ ولی ابن ابی العوجاء

می گوید: «ذَكَرْتُ اللَّهَ فَأَحَلَّتْ عَلَيَّ الْغَائِبُ؟» اینها که درباره خداوند گفتی حواله به نادیده و غایب بود». در واقع ابن ابی العوجاء با دیدگاه ماتریالیستی و مادی نگری درصدد انکار صانع است. امام صادق (ع) با توجه به دیدگاه وی، رویه ای عقلانی و حسّی را در تبیین صانع برای وی در پیش می گیرد و در میان کلام خود قسمتی از آیه شانزدهم سوره ق را تلاوت می کند و می فرماید: «فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَيَلْكَ كَيْفَ يَكُونُ غَائِبًا مَنْ هُوَ مَعَ خَلْقِهِ شَاهِدٌ وَإِلَيْهِمْ أَقْرَبُ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» يَسْمَعُ كَلَامَهُمْ وَ يَرَى أَشْخَاصَهُمْ وَ يَعْلَمُ أَسْرَارَهُمْ».

عبارت «مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» ثبوت، دوام و استمرار آگاهی خداوند بر اعمال و رفتار انسان ها را می رساند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/ ۳۴۶). چون قرب خداوند به لحاظ مکان است، نه مکان، می توان چنین گفت که خداوند از لحاظ احاطه و قیوم وجودی بودن، به انسان از مهم ترین عامل حیاتی وی، یعنی رگ گردن که با قطع آن حیات انسان منقطع می شود، نزدیک تر است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۹/ ۴۰۱).

معرفت ابن ابی العوجاء درباره خداوند با مادیات آمیخته است و خداوند را موجود مادی و به تبع آن نیازمند مکان خاص می پندارد. او چنین به حضرت می گوید: «پس او در همه جا هست! اگر در آسمان باشد چگونه در زمین خواهد بود و اگر در زمین باشد، در آسمان جایی ندارد!» حضرت در پاسخ، جسم داشتن و مکان داشتن را در مورد خداوند رد می کند و خاطرنشان می سازد وصف مکان و انتقال از جایی به جای دیگر وصف موجود مادی و مخلوق است. در واقع، واجب الوجود به دلیل وجود بالذات نمی تواند مادی باشد. دیگر وجودها، به دلیل ماهیت امکانی، به آفریدگار فرا امکانی نیازمندند (قدردان ملکی، ۱۳۹۳: ۲۴۷)؛ به عبارت دیگر امام صادق (ع) به تبیین صفات سلبی خداوند پرداخته است، اینکه خداوند جسم نیست و مکان ندارد و قابل رؤیت نیست. به تعبیری دیگر خداوند یگانه و مطلق است. در واقع تمام اجسام به حکم داشتن سه بعد (طول و عرض و عمق) و محدود بودن هر کدام از آنها، محدود خواهند بود و هر چیزی که محدود باشد، مخلوق خواهد بود و خالق جهان محدود نیست و هیچ حد و مرزی برای او فرض نمی شود، زیرا حد و مرز داشتن نشانه مخلوق بودن است (ر.ک: سبحانی، ۱۳۷۶: ۱۵۰).

۳-۲-۳. تحلیل محتوای مناظره سوم

این مناظره را هشام بن حکم ذکر کرده است. روزی ابن ابی العوجاء نزد امام صادق(ع) می آید و از مخلوق یا غیرمخلوق بودن خویش می پرسد. حضرت او را متنبه می سازد که عقل به طور بدیهی حکم می کند که باید فرقی میان مصنوع و غیرمصنوع باشد و در وجود تو ویژگی های مصنوعات است؛ پس چگونه مصنوع نیستی؟ سپس ابن ابی العوجاء در جواب حضرت وا می ماند. شایان ذکر است احتمالاً قسمتی از مناظره نخست تقطیع شده و هشام بن حکم آن بخش را نقل کرده است.

به نظر می رسد امام صادق(ع) از پرسش «أَنْتَ مَصْنُوعٌ أَمْ غَيْرُ مَصْنُوعٍ؟» قصد داشته است با استفاده از برهان حدوث،^۴ مصنوع بودن ابن ابی العوجاء و وجود صانع را برایش تبیین کند که ابن ابی العوجاء حتی مصنوع بودن خود را نیز منکر می شود؛ به بیان دیگر رویکرد حضرت در این مناظره، عقلی - حسی است. برهان حدوث نیز این گونه است و حادث بودن تمام ممکنات و به تبع، ضرورت وجود آفریدگار متعال از جنس ماورای امکان (واجب الوجود) را اثبات می کند (قدردان ملکی، ۱۳۹۳: ۵۳).

۴. تحلیل کیفی مناظرات امام صادق(ع) و ابن ابی العوجاء

پس از تحلیل محتوای هر یک از مناظرات ابن ابی العوجاء با امام صادق(ع)، می توان به تحلیل کیفی این مناظرات پرداخت؛ به عبارت دیگر اینکه حضرت در برابر شبهات ابن ابی العوجاء چه روش هایی داشته و ارائه کرده است؛ از این رو در این بخش از مقاله بر آنیم تا اصول حاکم بر مناظرات حضرت با ابن ابی العوجاء را تبیین کنیم و الگوی مناسبی برای بحث و گفتگو با صاحبان رأی در عرصه تبلیغ دین ارائه دهیم.

۴-۱. کاربرد قواعد عقلانی

از مجموع مناظرات میان ابن ابی العوجاء با امام صادق(ع) چنین برمی آید که شیوه استدلال حضرت(ع) در مباحث توحید و حدوث عالم، عقلی است؛ برای مثال وقتی که ابن ابی العوجاء از مسئله حدوث جهان می پرسد، حضرت این گونه پاسخ می دهد: «من هیچ جسم خرد و درشتی در این جهان درک نمی کنم جز اینکه در صورت پیوست

مثلاً به آن، بزرگ‌تر می‌شود و تغییر حقیقت شخصیه خود را می‌دهد، این موضوع زوال و انتقال از حالت اولی است و اگر جسم قدیم بود، زوال و تحولی نمی‌پذیرفت؛ زیرا چیزی که زوال پذیرد و حالی به حالی شود، رواست که یافت شود و نابود گردد، وجودش پس از نبود عین حدوث است، بودنش در ازل عین نیستی او است (زیرا فرض تحول شده و صورت جدید در ازل نبوده است) و هرگز صفت ازلیت و عدم حدوث و قدم در یک چیز جمع نگردد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۷۷). واضح است که در این سخن، حضرت تحول و نابودی را در اجسام حادث می‌داند و در اجسام قدیم قائل به نبود تحول است. با این تقریر که:

۱. هیچ شیء کوچک و بزرگی نیست، مگر آنکه با افزودن مثلاً بزرگ‌تر می‌شود.
۲. بزرگ‌تر شدن اشیا یعنی زوال حالت قبلی و پیدایش حالت جدید؛ به عبارتی بزرگ‌تر شدن یعنی انتقال از حالتی به حالت دیگر.
۳. اگر اشیا پیرامون ما قدیم باشند، زوال حالت ندارند؛ اما اشیا پیرامون ما زوال حالت دارند؛ پس اشیا پیرامون ما حادث‌اند.

امام صادق(ع) در این سخن علاوه بر استدلال عقلی، در اثبات حدوث عالم به قاعده عدم اجتماع نقیضین در یک شیء استناد کرده‌اند؛ بدین گونه که حدوث و قدم در یک شیء واحد، قابل جمع نیست.

ابن‌ابی‌العوجاء در ادامه به سخن حضرت اشکال می‌گیرد که «اگر اجسام به حالت کوچک باقی بمانند، دلیل بر حدوث آنها چگونه اثبات می‌گردد؟» (ر.ک: همان) امام(ع) در پاسخ به او چنین می‌فرماید: «اگر همه چیز این عالم جسمانی به حال خردی هم بپاید، این فرض صحیح است که اگر بر هر خردی مثل آن افزوده شود، بزرگ‌تر خواهد شد. همین صحت امکان تغییر وضع، آن را از قدم بیرون آورد؛ چنان‌که تغییر و تحول آن را در حدوث کشاند» (همان). آنچه که حضرت بیان می‌کند، دو دلیل بر حدوث اجسام نیست، بلکه یک دلیل و فرض عقلی است و در اثبات حدوث اشیا امر ذهنی را در مقابل واقعیت خارجی بیان می‌کند.

به‌عنوان ملحق به استدلال‌های عقلی باید به شواهد وجدانی اشاره کرد که مصداق آن در مناظره نخست ابن‌ابی‌العوجاء با امام(ع) آمده است، آنجا که ابن‌ابی‌العوجاء بر نبود خدا به دلیل ندیدن او استدلال کرده و حضرت بر وجود خالق به دلیل ایجاد تغییر

و تحولات روحی و درونی در مخلوقات اشاره کرده و به صورت مبسوط وجود خداوند را برای او تبیین کرده است (همان: ۷۵).

یکی دیگر از استدلال‌های عقلی حضرت، استدلال عمل‌گرا است که امروزه در علم فلسفه به «شرطیه پاسکال» معروف است. مبنای این استدلال بدین‌گونه است که اگر عقیده به خدا و روز جزا حق باشد، کافران خسران خواهند دید، و اگر این عقیده خطا باشد، مؤمنان و کافران در خسران‌ندیدن برابرند؛ پس عقل عملی حکم می‌کند که فرد خود را از ضرر عظیم محتمل نجات دهد و ایمان آورد (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۹). امام صادق(ع) در ابتدای مناظره، نخست پیش از آنکه ابن‌ابی‌العوجاء سخنی بگوید، می‌فرماید: «اگر حقیقت همان است که اینان گویند و بی‌تردید حقیقت همان است که آنان گویند (یعنی طواف‌کنندگان)، آنان به سلامت رسند و شما هلاکید و اگر حق این است که شما می‌گویید و مسلماً چنین نیست، در این صورت شما و آنان یکسانید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۵/۱).

۴-۲. کاربرد قواعد حسی - تجربی

امام صادق(ع) افزون بر استدلال‌های عقلانی به فراخور موضوع و مخاطب گاه در مواردی از مباحث دینی و اثبات این‌گونه مباحث، از مثال‌های حسی و تجربی بهره گرفته است. از آنجا که مخاطب اصلی این مناظرات ابن‌ابی‌العوجاء است و وی مادی‌گرا است، اقتضا می‌کرد حضرت از تبیین‌های حسی نیز استفاده کند.

نمونه‌ای از قواعد حسی در مناظرات ابن‌ابی‌العوجاء با امام صادق(ع)، در موضوع اثبات صانع است. حضرت برای نزدیک کردن مسئله اثبات صانع به ذهن ابن‌ابی‌العوجاء، دنیا را به کیسه اشرفی تشبیه می‌کند و می‌فرماید: «ای عبدالکریم، توضیح بیشتری به تو بدهم، بگو اگر یک کیسه جواهر داری و کسی به تو گوید در این کیسه اشرفی طلا هم هست و جواب دهی نیست و بگوید آن دینار غیر موجود را برایم توصیف کن و تو وصف آن را ندانی، تو را رسد که ندانسته بگویی اشرفی در میان کیسه نیست؟» (همان: ۷۷)

۴-۳. استفاده حضرت(ع) از زبان خصم

یکی دیگر از روش‌های مناظرات امام صادق(ع) با ابن‌ابی‌العوجاء «استفاده از زبان خود

خصم علیه او» است. این روش به اصل مخاطب‌سنجی امام(ع) باز می‌گردد. در حقیقت باید اذعان کرد ارزیابی و سنجش مخاطب، به معنای شناخت دریافت‌کننده و گیرنده پیام، یکی از عناصر مهم و تعیین‌کننده در عرصه تعلیم و تبلیغ مفاهیم دینی است و از چنان اهمیتی برخوردار است که تبلیغ بدون در نظر گرفتن آن، نه تنها توجیه‌پذیر نیست، بلکه منجر به ناکامی آن نیز خواهد شد. توجه به این اصل که چیزی را برای چه کسی، در چه زمانی و با چه ادبیاتی در اختیار مخاطبان بگذاریم، از اصول مهم در عرصه تبلیغ دین است (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰۰-۳۰۱). امام صادق(ع) در مواردی در پاسخ به پرسش‌های ابن‌ابی‌العوجاء به این اصل توجه داشته و با تکیه بر اصل مخاطب‌سنجی و کاربرد سخنان ابن‌ابی‌العوجاء او را به چالش کشانده و ناسازگاری و دوگانگی در اجزای عقایدش را برای وی به تصویر کشیده است؛ برای نمونه ایشان در اثبات مصنوع بودن ابن‌ابی‌العوجاء، وقتی که از وی استدلال می‌طلبید، ابن‌ابی‌العوجاء برخی اوصاف مصنوعات همچون دراز و پهن و عمیق و کوتاه و متحرک و ساکن را ذکر می‌کند. سپس حضرت این گونه او را به چالش می‌کشاند و می‌فرماید: «در صورتی که تو صفت مصنوعات را جز اینها ندانی، باید خود را ساخته و مصنوع بدانی؛ زیرا در خودت این امور را درک می‌کنی» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۷۶).

در جای دیگر وقتی حضرت درباره مصنوع و غیرمصنوع بودن ابن‌ابی‌العوجاء می‌پرسد و او پاسخ غیرمصنوع بودن را می‌دهد، حضرت می‌فرماید: «اگر مصنوع نیستی پس چیستی و اگر مصنوعی پس چگونه بودی؟» (صدوق، ۱۳۹۸: ۲۹۳) که ابن‌ابی‌العوجاء در پاسخ دادن به حضرت باز می‌ماند.

۴-۴. آمیختگی کلام حضرت(ع) با واژگان قرآن کریم

عقل در شناخت برخی مباحث خداشناسی با محدودیت روبه‌رو است؛ از این رو در طیفی از آموزه‌های امام صادق(ع) از نقل نیز استفاده شده است. با بررسی مناظرات و مباحثات میان ابن‌ابی‌العوجاء با امام صادق(ع)، تنها در یک مورد حضرت به طور مستقیم بخشی از آیه قرآن را تلاوت می‌کند که از فحوای کلی این مناظرات چنین می‌توان استنباط کرد که حضرت بر اساس قرآن، دین را تفسیر و تبیین کرده است. هنگامی که ابن‌ابی‌العوجاء خداوند را غایب می‌پندارد، حضرت در ضمن، بیان خویش

را به بخشی از آیه شانزدهم سوره ق می آمیزد و می فرماید: «... هُوَ مَعَ خَلْقِهِ شَهِدٌ وَ إِلَيْهِمْ أَقْرَبُ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۷۶). در تفسیر این آیه آمده است چون خداوند از هر جهتی که فرض شود، از خود انسان به انسان نزدیک تر است، و چون این معنا معنای دقیقی است که تصورش برای فهم بیشتر مردم دشوار است، خدای تعالی مطلب را به صورت ساده بیان کرده است تا همه بفهمند، و به این مقدار اکتفا کرده است که بفرماید: «ما از رگ گردن به او نزدیک تریم» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/ ۳۴۷).

در ادامه، سنجش فراوانی اصول حاکم بر مناظرات میان ابن ابی العوجاء با امام صادق(ع) بر اساس تحلیل کیفی مناظرات نشان داده شده است:



همان طور که ملاحظه می شود، در مناظرات میان ابن ابی العوجاء و امام صادق(ع)، رویکرد عقلانی به دفعات به چشم می خورد. سنجش فراوانی این موضوع بیانگر آن است که به کارگیری عقل در اثبات مسائل کلامی برای حضرت، بسیار مهم و حائز اهمیت بوده است و در حقیقت از دغدغه های اصلی امام(ع) در تبیین سؤالات ابن ابی العوجاء بوده است. در مرحله دوم، رویکرد حسّی و کاربرد زبان خصم از موضوعات قابل توجه در این مناظرات است. کمترین موضوعی که حضرت در این مناظرات به آن استناد کرده، آمیختگی کلام حضرت(ع) با واژگان قرآن بوده است که علی رغم پرداختن محدود به آن، با تکیه بر این روش راه را برای هر گونه بهانه برای مخاطب بسته است.



نتیجه گیری

مناظره و جدال احسن از روش های اثرگذار تبلیغ و ترویج دین به شمار می آید. از میان مناظرات منقول از اهل بیت (ع)، مناظرات امام صادق (ع) با مخالفان و ملحدان به دلیل شرایط زمانی خاص ایشان که ناشی از نبود یک حکومت سیاسی مقتدر و نیز گوناگونی مخاطبان و مخالفان به دلیل آشنایی با اندیشه های دیگر ملل بود، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

شرایط فکری و فرهنگی عصر امام صادق (ع) باعث شده بود تا بسیاری از مذاهب و فرقه ها، آزادانه به تبلیغ و ترویج آرا و افکار خود بپردازند و زمینه را برای گسترش اندیشه های الحادی و افراطی در سرزمین اسلامی فراهم کنند. در این میان امام صادق (ع) با تبیین عقلانی عقاید صحیح در مناظرات با مخالفان و ملحدان، مبنای فکری و عقیدتی اسلام حقیقی را که همان مذهب تشیع است، کرد و زمینه ساز رشد و کمال جامعه اسلامی را فراهم آورد.

در منابع تاریخی هفت مناظره میان امام صادق (ع) با ابن ابی العوجاء نقل شده است که تقریباً موضوع اصلی همه آنها، مسئله توحید و شبهات مطرح در این خصوص است. از آنجا که این موضوع، یکی از پرسش های همیشگی بشریت بوده، در این مقاله تلاش شد با استفاده از روش «تحلیل محتوا» که روشی میان رشته ای برای تحلیل عمیق و دقیق متون با دو رویکرد کمی و کیفی است، موضوعات اصلی و فرعی مستخرج از این مناظرات تجزیه و تحلیل شود و در نهایت یافته های تحقیق برای رسیدن به یک مدل و الگوی جامع، دسته بندی و طبقه بندی شود.

مقوله‌بندی نتایج جدول‌های تحلیل محتوایی این مناظرات که تنها یکی از آنها در متن مقاله درج شده است، بیانگر آن است که پرسش‌ها و شبهات مطرح از سوی ابن‌ابی‌العوجاء، برخاسته از تفکری ماتریالیستی و مادی‌گرایی بوده که تلاش دارد هر چیزی را با محک تجربه حسی اثبات کند. نوع پرسش‌های مطرح‌شده نشان می‌دهد مخالفت با وجود موجودات غیبی و نامحسوس، یکی از مهم‌ترین مشکلات فکری این‌گونه افراد است و به همین دلیل از نوعی جهان‌بینی و ایدئولوژی مادی خاص برخوردارند. به همین دلیل امام صادق(ع) تلاش می‌کند در مرحله نخست به اصلاح نوع نگاه آنان به جهان هستی بپردازد و نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی آنان را اصلاح کند که شرح و تفصیل آن در ضمن تحلیل محتوای کیفی مناظرات بیان شده است.

از دیگر نتایج تحلیل محتوای مناظرات امام صادق(ع) آن است که آن حضرت در اثبات مسئله توحید و پاسخگویی به شبهات ابن‌ابی‌العوجاء، از روش‌های گوناگونی بهره گرفته و در هر مرحله تلاش کرده است تا متناسب با نوع پرسش و شرایط و امکان فهم مخاطب، از راهکارهای مختلفی استفاده کند. مهم‌ترین این راهکارها، مبنابودن قواعد عقلی و نیز تمسک به قواعد حسی - تجربی در کنار استناد به سخنان باطل خصم برای ابطال آنها و نیز آمیختگی کلام حضرت(ع) با واژگان قرآن برای تقویت ادله و برهان‌های عقلی بوده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Content Analysis

2. Bernard Berelson

۳. اقناع به مفهوم قانع کردن و راضی کردن افراد جهت گرایش به موضوعی خاص است که با انجام فعالیت خاصی صورت می‌پذیرد (متولی، ۱۳۸۴: ۷۳). هدف این فرآیند ارتباطی، نفوذ در گیرنده پیام است؛ به این معنا که یک پیام ترغیبی یا یک نظر به گیرنده ارائه می‌شود و انتظار می‌رود این پیام در مخاطب مؤثر واقع شود (ر.ک: مرادی، ۱۳۸۴: ۲۱).

۴. شیء حادث یعنی شئی که در مرحله‌ای وجود نداشته و به اصطلاح «مسیوق به عدم» است. برهان حدوث یکی از براهین اثبات‌کننده وجود خداوند و مصنوع‌بودن مخلوقات است. از این برهان تقریرهای متعددی ارائه شده است (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ۳۰). یکی از مهم‌ترین این تقریرها از محقق طوسی است. ایشان معتقد است هر آنچه غیر خدا باشد، ممکن است و هر ممکنی حادث است؛ پس ماسوای خدا حادث است (همان: ۳۴).

منابع

قرآن کریم.

- آمدی، سیف‌الدین (۲۰۰۳)، *ابکار الأفكار فی اصول الدین*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵)، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (بی‌تا)، *عوامل العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال*، تحقیق: محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مؤسسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- پاکتچی، احمد و همکاران (۱۳۹۱)، *مبانی و روش اندیشه علمی امام صادق (ع)*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *تفسیر تسنیم*، قم: نشر اسراء.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸)، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، *با کاروان اندیشه*، تهران: امیر کبیر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۶)، *الهیات و معارف اسلامی*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۴.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت.
- صدرالمതألهین، محمد (۱۳۵۴)، *المبدأ و المعاد*، تهران: انجمن فلسفه ایران.
- صدرالمतألهین، محمد (۱۳۶۰)، *الشواهد الربوبیه*، حاشیه: سبزواری، مشهد: مرکز نشر دانشگاهی.
- صدرالمتألهین، محمد (۱۴۱۹)، *اسفار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸)، *التوحید*، تحقیق: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق: محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵)، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، نجف: المكتبة الحیدریة.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۹۰)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (بی‌تا)، *قواعد العقائد*، [بی‌جا]: دارالغربیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، *الأمالی*، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم: دار الثقافة.

عاملی نباطی، علی من محمد بن علی بن محمد بن یونس (۱۳۸۴)، *الصراط المستقیم إلى مستحقّی التقادیم*، تحقیق: میخائیل رمضان، نجف: المكتبة الحیدریة.

فیض کاشانی، محمدحسین بن شاه مرتضی (۱۴۰۶)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

قدردان ملکی، محمدحسن (۱۳۸۶)، *پاسخ به شبهات کلامی دفتر اوله خداشناسی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قدردان ملکی، محمدحسن (۱۳۹۳)، *خدا در تصویر انسان*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قزوینی، ملاخلیل بن غازی (۱۴۲۹)، *صافی در شرح کافی*، قم: دارالحديث.

قمی، عباس (۱۴۱۴)، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، قم: اسوه.

کانت، امانوئل (۱۳۹۶)، *نقد عقل محض*، ترجمه: بهروز نظری، تهران: ققنوس.

کرپیندورف، کلوس (۱۳۷۸)، *مبانی روش شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران: انتشارات روش.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰)، *کنز الفوائد*، تحقیق: عبدالله نعمة، قم: دارالذخائر.

مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲)، *شرح الکافی - الأصول و الروضة للمولی صالح المازندرانی*، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، تهران: المكتبة الإسلامیه.

متولی، کاظم (۱۳۸۴)، *افکار عمومی و شیوه های اقناع*، تهران: انتشارات بهجت.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار الجامعه لدرر الأخبار الأئمه الأطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربي.

محمدی، علی (بی تا)، *شرح کشف المراد*، [بی جا]: دار الفکر.

مرادی، حبیب الله (۱۳۸۴)، *اقناع سازی و ارتباطات اجتماعی*، تهران: نشر ساقی، چ ۲.

مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، بیروت: مؤسسه دارالهجره.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، *خدا در اندیشه انسان*، تهران: انتشارات صدرا.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، *أمالی للمفید*، تحقیق: حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید.

مکارم، شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

میرداماد، محمدباقر (۱۳۷۴)، *القبسات*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

میرداماد، محمدباقر (۱۴۰۳)، *التعلیق علی کتاب الکافی*، تحقیق: مهدی رجایی، قم: الخيام.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.